

## حوزه تأثیر اشتباه در قرارداد

علی غریبه\*

استادیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۹/۵ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۷/۱۲/۱۴)

### چکیده:

اشتباه به عنوان عیب اراده، وقتی در قرارداد موثر واقع می‌شود که اشتباه مربوط به مرحله رضا و قصد باشد و اشتباه در مراحل دیگر اراده یعنی تصور، تدبیر و تصدیق در قرارداد تأثیر نمی‌گذارند مگر اینکه اشتباه در آن مراحل به اشتباه در رضا و قصد منتهی شود. بعلاوه اشتباه در هر امر اساسی قرارداد موجب معیوب شدن اراده و تحت تأثیر واقع شدن قرارداد نمی‌شود و باید اشتباه حداقل در یکی از مسائل مهم قرارداد یعنی اموری که در قلمرو حرکت قصد قرار می‌گیرد، رخ بدهد و اراده شخص نیز در تغییر و یا دخالت یا عدم دخالت آن امور در قرارداد مؤثر باشد.

### واژگان کلیدی:

عیب اراده، اشتباه، قرارداد، رضا، قصد، اشتباه مؤثر.

### مقدمه

قرارداد از مهم ترین وسایل رفع نیاز اشخاص در روابط داخلی و بین المللی است، لیکن هنگامی به آن بعنوان وسیله ایجاد تعهد و انتقال حق اعتماد می شود که از استحکام و ثبات برخوردار بوده و به هر بهانه ای، یک طرف قرارداد از اجرای تعهدات ناشی از آن شانه خالی نکرده و آن را به کناری نهد. از طرف دیگر مردم اجرای قرارداد و تحمل آثار قراردادهایی را که با قصد و رضای آنان منطبق نبوده و در نتیجه اشتباه منعقد شده اند، ناعادلانه می دانند که به این جهت، قانونگذار اشتباه را از عوامل معیوب کننده اراده و مؤثر در قرارداد شناخته است (مواد ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۳۵۳، ۱۹۴، ۷۶۲، ۶۰۱ ق.م). لیکن قلمرو شمول آن را مشخص نکرده است و بایستی به دقت روشن شود که آیا اشتباه در هر مرحله از مراحل وجودی اراده موجب معیوب شدن اراده شده و قرارداد را تحت تأثیر قرار می دهد؟ و نیز با ارائه ضابطه ای باید معلوم شود که آیا اشتباه در هر امری از امور قرارداد، به جهت معیوب ساختن اراده به اعتبار قرارداد خدشه وارد می کند یا به جهات دیگر؟ حقوقدانان بدون بیان ضابطه ای خاص از اشتباه در خود موضوع معامله، اشتباه در نوع عقد، اشتباه در علت تعهد و غیره سخن به میان آوردند که در این وضعیت این سؤال پیش می آید که اگر آن موارد در قلمرو نظریه اشتباه قرار می گیرند چرا اشتباه در امکان اجرای قرارداد، اشتباه در قابلیت معامله از نظر قانون، اشتباه در مالیت موضوع معامله، اشتباه در آثار مقتضای ذات عقد و امثال آن در قلمرو شمول نظریه اشتباه نباشد؟ آیا بدرستی اشتباه در علت تعهد در حوزه شمول نظریه اشتباه قرار می گیرد؟ در این نوشتار سعی بر این است که با استقراء در قانون مدنی و تحلیل مقررات مربوط به اشتباه در قرارداد به دقت حوزه شمول نظریه اشتباه در قرارداد تبیین و روشن شود که برای این منظور حوزه تأثیر اشتباه از لحاظ تحلیل روانی اراده و از نظر مصادیق به صورت علیحده در ذیل مورد بررسی قرار می گیرد.

### الف) حوزه تأثیر اشتباه از نظر تحلیل روانی اراده

بحث اساسی که در اینجا مطرح است این است که آیا اگر اشتباه در هر مرحله از مراحل وجود اراده رخ بدهد، در قرارداد تأثیر می گذارد یا اینکه اشتباه واقع در بعضی از مراحل ایجاد قصد است که در قرارداد مؤثر واقع می شود؟ علت طرح این سؤال این است که اراده یک چگونگی و کیف نفسانی است که پس از طی مراحل مختلف در روان انسان پدید می آید و امری را طلب می کند (خوارزمی ۷۷۰ هـ.ق) ص ۱۴۰- امامی (۱۳۶۴) ج ۴، ص ۱۹) و ممکن است اشتباه در تمام مراحل روانی اراده صورت بگیرد و از این جهت باید حوزه تأثیر اشتباه در اراده مشخص گردد.

باید گفت سنگ زیرین تکون اراده تصور است و انجام هیچ کار ارادی پیش از تصور آن ممکن نیست. هنگامی که شخص می‌خواهد قراردادی منعقد نماید قبل از هر چیز خود آن قرارداد، عناصر، اوصاف و شرایط مختلف معامله به ذهن او خطور می‌کند. مثلاً برای فروش اتومبیل خود ابتدا عقد بیع، اتومبیل، قیمت آن، مشروط یا مطلق بودن معامله، نقد یا نسیه بودن آن و طرف معامله و مسائل گوناگون دیگر را در ذهن تصور می‌کند، البته تصور تمام آثار قرارداد لزومی ندارد و کافی است شخص اثر اصلی قرارداد را درک نماید زیرا آثار حقوقی قرارداد را قوانین مشخص می‌نماید و فرض این است که همه به قوانین آگاهی دارند (کاتوزیان ۱۳۶۴، ص ۲۳۱). ماده ۲۲۰ ق.م در این خصوص چنین مقرر می‌دارد: «عقود نه فقط متعاملین را به اجرای آن چیزی که در آن تصریح شده است ملزم می‌نماید، بلکه متعاملین به تمامی نتایجی که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می‌شود ملزم می‌باشد». بنابراین در قرارداد که یک عمل تاسیسی است مرحله ادراک نقش اساسی دارد و اثر اصلی قرارداد را باید معین سازد.

باید اضافه کرد که در اعمالی که تنها شرایط اجرای قانون را فراهم می‌آورد، اهمیت ادراک ناچیز است. زیرا موقعیت حقوقی و شرایط آن از پیش در مقررات پیش بینی و معین شده و ذهن نیازی به تصور آن ندارد. در بسیاری موارد، ذهن متوجه به تمام آثار و شرایط این گونه اعمال نمی‌شود و تنها به مجموع موقعیتی که قانون به وجود آورده است نظر دارد. انسان می‌داند که در قلمرو حکومت قانون است و نیازی ندارد که جزئیات آنچه را در آینده می‌گذرد بداند. پس نقش اراده در ایجاد آثار این نوع عمل حقوقی بسیار کم است و گاه محدود به یک کار مادی می‌شود. برای مثال در نکاح انسان به اجمال می‌داند که ایجاد چنین موقعیتی را می‌خواهد، شرایط آن را فراهم می‌آورد، بدون این که به تمام آثار کار خود توجه کند (کاتوزیان، ۱۳۶۴، ص ۲۴۴). بعلاوه بعضی از اموری که در مرحله تصور به ذهن انسان می‌آید، جنبه اساسی ندارد و غالباً در قلمرو تراضی قرار نمی‌گیرد.

پس با عنایت به مراتب مزبور، باید گفت ممکن است اشتباهی که صورت می‌گیرد مربوط به مرحله تصور باشد و شخصی که قصد انجام معامله‌ای را دارد در امور اساسی عقد مانند ماهیت عقد، آثار اصلی عقد، طرف قرارداد، موضوع عقد و خصوصیات عقد اشتباه نماید. اشتباهی که در این مرحله رخ می‌دهد، هر چند اشتباه مربوط به اراده نیست زیرا تصور، مقدمه و محرک اراده است نه خود اراده. ولی چون غالباً منشاء فعل ارادی تصورات گوناگون است که در ذهن انسان نقش می‌بندد و اشتباهی هم در این تصورات وجود داشته باشد، اراده بر مبنای همان تصور اشتباهی شکل می‌گیرد یعنی شخص بر مبنای همان تصور اشتباهی راضی به معامله شده و تصمیم به اجرای آن می‌گیرد، لذا می‌توان گفت که اشتباه در مرحله تصور به

اشتباه در قصد منتهی می‌شود و اشتباه در قصد نیز به جهت این که قصد نقش سازندگی را ایفا می‌نماید به جهت خدشه دار شدن قادر به ایفای نقش خود نخواهد بود و قراردادی که بر اساس چنین اشتباهی ظاهراً منعقد می‌شود باطل خواهد بود که بعداً در بحث اشتباه در مرحله قصد بیشتر سخن گفته می‌شود.

در مرحله سنجش که بعد از مرحله تصور است، اشتباه تاثیری در اراده نخواهد داشت زیرا در این مرحله شخص به ارزیابی دواعی مختلف می‌پردازد و همیشه ارزیابی انسان، ارزیابی درست نیست و احتمال بسیار وجود دارد که ارزیابی انسان، ارزیابی درست و صحیح نبوده و توأم با اشتباه باشد. ارزیابی سود و زیان انجام کار بر مبنای فاکتورهای عینی و موجود صورت نمی‌گیرد، بلکه این ارزیابی کاملاً ذهنی بوده و تحقق و سود زیان به عوامل خارجی که در آینده پدیدار می‌شوند، بستگی دارد لذا این ارزیابی غالباً جنبه احتمالی داشته و خطا در آن همیشه راه دارد. به عبارت دیگر ماهیت و طبیعت ارزیابی ایجاب می‌کند که اشتباه در آن وجود داشته باشد. به علاوه در این مرحله ذهن صرفاً در مقام بررسی سود و زیان کار مورد نظر است و انتخابی در این مرحله صورت نمی‌گیرد و اگر اشتباهی هم در بررسی صورت بگیرد به اشتباه در انتخاب یکی از دواعی منتهی می‌شود که مربوط به مرحله تصدیق می‌باشد. پس اشتباه در این مرحله یک اشتباه مستقل و موثر در قرارداد نمی‌باشد.

بعد از مرحله سنجش که مرحله تصدیق است و شخص از بین دواعی و انگیزه‌های گوناگون یکی را تصدیق و انتخاب می‌نماید، ممکن است شخص در تصدیق یک داعی مرتکب اشتباه شود مثلاً در این که بعد از فروش اتومبیل خود با پول آن به مسافرت برود یا فرش بخرد یا در بورس سهام سرمایه گذاری نماید، ارزیابی به نفع سرمایه گذاری در بازار بورس سهام صورت می‌گیرد ولی در تصدیق و انتخاب آن انگیزه دچار اشتباه شده و خرید فرش را انگیزه معامله اتومبیل خود قرار می‌دهد. اشتباه در این مرحله در واقع اشتباه شده در جهت یا انگیزه یا داعی است که این اشتباه تاثیری در اراده و قرارداد نخواهد داشت زیرا همان طور که گفته شد غالباً تحقق این انگیزه در اختیار خود فرد نیست و تحقق آن به عوامل گوناگون خارجی بستگی دارد؛ مثلاً هیچ وقت به درستی معلوم نیست که شخص بتواند با پول فروش اتومبیل خود از بازار بورس سهام بخرد. بعد از فروش اتومبیل و اخذ ثمن معامله، خرید سهام به عوامل گوناگون مربوط به بازار بورس، وضعیت اقتصادی خود شخص و انگیزه‌ها و نیازهای جدید که بعداً برای شخص حادث می‌شود، بستگی دارد. به علاوه انگیزه دخالت شدید در معامله ندارد زیرا شخصی که می‌خواهد اتومبیل خود را بفروشد، انگیزه او هر چه باشد، معامله صورت می‌گیرد و شخص به خاطر آن علت انگیزه وارد معامله نمی‌شود بلکه در هر معامله علتی برای آن وجود دارد که اثر اصلی هر عقد را تشکیل می‌دهد و در هر عقدی

نیز بصورت ثابت وجود دارد که از نظر قانونگذار در صورت فقدان آن علت معامله باطل می‌باشد. بنابراین باید گفت که اشتباه در انگیزه یا اشتباه در مرحله تصدیق دخالت موثر در تصمیم‌گیری انسان نداشته و یک محرک فرعی برای تصمیم‌گیری است و قانون‌گذار نیز بر همین اساس، اشتباه در انگیزه را موثر در اراده ندانسته و عقده را که بر مبنای انگیزه اشتباهی منعقد شده، صحیح می‌داند.

البته ممکن است این مرحله از اراده نیز از بازرسی قانون‌گذار مصون نماند کما این که در بند ۴ ماده ۱۹۰ ق.م.مقرر گردیده است که جهت معامله باید مشروع باشد. ولی باید گفت که اشتباه در مشروعیت جهت تأثیری در قرارداد ندارد و بطلان قرارداد بر اساس حکم قانون‌گذار می‌باشد زیرا اشتباه در امری تأثیر دارد که اراده اشخاص در انتخاب و عدم انتخاب آن موثر باشد. در مشروعیت جهت اراده طرفین معامله آزاد نیست و آنها اگر اشتباهی هم نکنند و آگاهانه جهت نامشروع را در قرار داد تصریح نمایند، قرارداد باطل خواهد بود. بنابراین، چون در مشروعیت جهت، طرفین معامله چه از روی آگاهی و چه از روی اشتباه، جهت نامشروعی را در قرار داد مورد تصریح قرار دهند معامله باطل خواهد بود، و اراده اشخاص تأثیری در وضعیت قرارداد نخواهد داشت، موضوع از قلمرو بحث اشتباه خارج می‌باشد.

اگر رضای به معامله بر مبنای تصور اشتباهی شخص از واقع امر باشد، در این صورت چون شوق موکد یا رضا به صورت قهری به قصد منتهی می‌شود لذا اشتباه در رضا به اشتباه در قصد می‌رسد و قصد را خدشه دار می‌نماید و اشتباه در قصد نیز معامله را باطل می‌کند. ولی در بعضی از معاملات برای تأثیر اراده رضای مالک نیز ضرورت دارد؛ مثلاً اگر شخصی نسبت به مالی معامله فضولی نماید و بعد معلوم شود که آن مال متعلق به معامله‌کننده بوده و در مالکیت مال اشتباه کرده است در این صورت، نفوذ معامله موکول به اجازه معامله‌کننده خواهد بود. در مورد این معامله، مالک مال که خود متصدی عقد است، هم قصد انشاء دارد و هم رضا، با وجود این چون رضا را با توجه به مالکیت خود ابراز نکرده است عقد مزبور نافذ نیست تا این که از روی توجه به مالکیت خود به آن عقد رضایت بدهد (جعفری لنگرودی، ۱۳۴۹، ص ۲۰۰). ماده ۲۵۵ ق.م. در این خصوص چنین مقرر می‌دارد: «هر گاه کسی نسبت به مالی معامله به عنوان فضولی نماید و بعد معلوم شود که آن مال ملک معامله‌کننده بوده یا ملک کسی بوده است که معامله‌کننده می‌توانسته است از قبل او ولایتاً یا وکالتاً معامله نماید در این صورت نفوذ و صحت معامله موکول به اجازه معامل است و الا معامله باطل خواهد بود». پس رضای معتبر در معامله باید از روی توجه به مالکیت یا از روی توجه به اذنی که از قبل مالک دارد صادر گردد. در این مورد اشتباه در مالکیت، اشتباه مربوط به مرحله رضاست و از عیوب اراده محسوب می‌شود که موجب عدم نفوذ معامله می‌باشد.

باید دانست که اشتباه در مالکیت، همیشه از عیوب اراده و موجب عدم نفوذ معامله نیست و گاهی عدم نفوذ معامله به جهت فقدان رضای مالک است که از شرایط نفوذ معامله محسوب می‌شود. مثلاً کسی معامله‌ای را نسبت به مال دیگری انجام می‌دهد در حالی که اشتبهاً آن مال را متعلق به خود می‌دانسته است. در این گونه قرارداد رضا و قصد معامله کننده کامل است و خدشه‌ای در اراده معامله کننده وجود ندارد و آن چه موجب عدم نفوذ معامله می‌شود، نقص در یکی از شرایط مهم نفوذ معامله یعنی رضای مالک است. پس در حقوق ما اشتباه در مالکیت همیشه از عیوب رضا نبوده و پاره‌ای از آن از قلمرو اشتباه موجب عیوب اراده خارج می‌باشد. قانون مدنی در ماده ۲۵۵ از نظر اقلیتی از فقها پیروی کرده است؛ نظر اکثریت این است که عقد مزبور بدون اجازه نافذ است زیرا هم قصد وجود داشته است و هم رضا (جعفری نگرودی، ۱۳۴۹، ص ۲۰۱). اگر نظریه اکثریت مورد قبول قانون گذار واقع می‌شد می‌توانستیم قائل بر این نظر باشیم که در حقوق ما اشتباه موجب عدم نفوذ از قلمرو اشتباه معیوب کننده اراده خارج می‌باشد و اشتباه در رضا نهایتاً به اشتباه در قصد منتهی می‌شود که موجب بطلان است. بنابراین باید گفت به جهت این که رضا یک حالت نفسانی است که جنبه انفعالی دارد و فاقد قدرت سازندگی است اشتباه در آن مرحله تأثیری در قرارداد ندارد و اشتباه در این مرحله به اشتباه در قصد منجر می‌گردد، جز این که استثنائاً قانون گذار در یک مورد اشتباه در مرحله رضا (اشتباه در مالکیت) را در قرارداد موثر دانسته است.

مرحله آخر اراده که عقد با آن محقق می‌شود، مرحله طلب یا قصد است که دیدیم، اشتباه در مرحله تصور و رضا به اشتباه در قصد منتهی می‌شود و تصمیم و اجرای آن بر مبنای تصور اشتباهی شخص از واقع امر صورت می‌گیرد. اشتباه در قصد موجب بطلان عقد می‌شود، زیرا با دخالت اشتباه، اراده که عنصر سازنده عقد است قدرت سازندگی خود را از دست می‌دهد. وقتی قصد یک یا هر دو طرف قرارداد مبتنی بر تصور نادرست از واقعیت است، موجب می‌شود که یا توافقی بین قصدها حاصل نشود که چنین اشتباهی به اشتباه مانع توافق (عقد) معروف است یا قصد و توافق آنان منطبق با واقعیت نباشد که به این اشتباه، اشتباه مانع تأثیر قصد گفته می‌شود (شهیدی، ۱۳۷۱، ص ۲۳۶) که در حالت اول عقد به جهت عدم تطابق بین ایجاب و قبول و در حالت دوم به علت عدم مطابقت مقصود با واقع باطل می‌باشد. پس تأثیر اشتباه در قرارداد بخاطر خدشه‌ای است که اشتباه در قرارداد به قصد معاملی وارد می‌کند و به این جهت نیز اشتباه بعنوان یکی از عوامل معیوب کننده اراده شناخته شده است.

در نظام حقوقی انگلیس (A. Blum, 2001. P429-Beatson, 1998. P.304)، فرانسه (به نقل از:

سنهوری، مصادرالحق، ۱۹۹۸، ص ۷۰) و مصر و لبنان (فرج‌الصدده، ۱۹۷۳)، ص ۲۲۴) نیز علت اصلی تأثیر اشتباه در اعتبار قرارداد مخلدوش شدن اراده به جهت وقوع اشتباه در امور اساسی قرارداد می‌باشد.

در فقه امامیه نیز اشتباه از آن جهت مؤثر در قرارداد شناخته است که قصد متعاملین را تحت تأثیر قرار می‌دهد زیرا در فقه مبنای اصلی و اساسی تأثیر اشتباه در قرارداد، قاعده فقهی «العقود تابعه للقصود» می‌باشد. مطابق این قاعده چنانچه اشخاص به انعقاد قراردادی مبادرت نمایند که قصد تحقق آن به جهتی مفقود باشد عقدی نیز محقق نمی‌شود، مثلاً شخصی که قصد بیع دارد ولی به جهت اشتباه اعلام می‌کند که مال را هبه کردم، در این حالت عقد هبه بخاطر عدم تعلق قصد به آن واقع نمی‌شود (حسینی‌مراغی، ۱۴۱۸، ص ۴۸).

مطابق قاعده «ما وقع لم يقصد و ما قصد لم يقع» نیز چنانچه در خصوص ماهیت مورد معامله اشتباهی رخ بدهد، مانند اینکه کسی دستبندی را به تصور اینکه طلاست از طلافروشی بخرد ولی بعداً معلوم شود که از جنس برنز می‌باشد، معامله به جهت عدم انطباق مقصود با واقع باطل می‌باشد. در این حالت نیز چون اشتباه موجب می‌شود که قصد با واقع منطبق نشود فقها عقد ظاهراً واقع شده را باطل می‌دانند.

بنظر می‌رسد که قاعده مزبور ناظر به یک حالت خاص پیروی قرارداد از قصد طرفین، یعنی عدم انطباق اراده طرفین با مصداق خارجی است، به عبارت دیگر قاعده مزبور بیانگر یک حکم خاص از قاعده کلی «العقود تابعه للقصود» می‌باشد. کما اینکه میرزا نائینی در جایی که موضوع ایجاب و قبول یک مال معین بوده و فقط طرفین در صورت عرفیه آن اشتباه نمایند، معامله را باطل می‌دانند و معتقدند که محل استعمال قاعده «العقود تابعه للقصود» همین جاست، زیرا مثلاً آنچه طرفین قصد کرده‌اند و ثمن در ازای آن پرداخت شده متفی است و آنچه موجود است مقصود نبوده و در ازای آن چیزی پرداخت شده است (نجفی‌خوانساری، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۳۵).

### ب) حوزه تأثیر اشتباه از نظر مصادیق

بعد از تعیین حوزه اشتباه از نظر تحلیل روانی اراده، اکنون باید دید که اساساً چه مواردی از اشتباه در قرارداد، مشمول عنوان خاص اشتباه در قرارداد می‌شود؟ آیا اشتباه در هر امری از مسایل قرارداد در قلمرو بحث اشتباه در قرارداد قرار می‌گیرد؟

مقدمتاً باید گفت که اشتباه در قرارداد ممکن است در یکی از امور ذیل صورت بگیرد:

۱- اشتباه در مشروع و قانونی بودن جهت - ممکن است طرفین معامله به تصور اینکه خرید و فروش انگور برای تولید مشروبات الکلی از نظر شرع و قانون اشکالی ندارد، به انعقاد عقد بیع مبادرت نمایند و یا دو نفر به تصور اینکه خرید و فروش اموال بدهکار برای فرار از پرداخت دین به طلبکار مخالف قانون نمی‌باشد، به خرید و فروش آن اموال بپردازند.

۲- اشتباه در علت تعهد - گاهی اشتباه در علت تعهد صورت می‌گیرد (امامی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۱۹۸ - صفایی، ۱۳۸۲، ص ۸۸) مثلاً وراثت شخصی با موصی له برای تقسیم عین مشاع توافق

می‌کنند و سپس معلوم می‌شود که وصیت باطل بوده است و یا اینکه شخصی به تصور اینکه مسئول پرداخت خسارت وارد به دیگری است، پرداخت مبلغی را به او تعهد می‌کند و بعد معلوم می‌شود که شخص دیگری مسئول بوده است. در مثال نخست علت تقسیم مال بین وراثت و موصی له و اختصاص سهمی به شخص اخیر وصیت بوده است که طرفین اشتباهاً آن را موجود تصور کرده‌اند و در مثال دوم علت تعهد به پرداخت خسارت، مسئولیت بوده که طرفین در وجود آن اشتباه کرده‌اند.

۳- اشتباه در امکان اجرای قرارداد - اشتباه ممکن است در خصوص امکان اجرای قرارداد باشد مانند اینکه طرفین عقد بیع به تصور اینکه مبیع مقدورالتسلیم می‌باشد به انعقاد عقد مبادت نمایند ولی بعداً معلوم شود که این تصور مبنی بر اشتباه بوده و مبیع مقدورالتسلیم نمی‌باشد.

۴- اشتباه در قابلیت معامله موضوع از نظر قانون - گاهی طرفین معامله، کالایی را به تصور اینکه خرید و فروش آن قانوناً اشکالی ندارد به خرید و فروش آن اقدام می‌نمایند ولی بعداً کاشف بعمل می‌آید که خرید و فروش آن کالا ممنوع بوده است.

۵ - اشتباه در مالیت موضوع تعهد - ممکن است طرفین قرارداد بتصور اینکه مال موضوع معامله دارای ارزش اقتصادی است، آن را مورد مبادله قرار دهند ولی بعداً مشخص می‌شود که از نظر نوعی، مورد معامله دارای ارزش اقتصادی نبوده است.<sup>۱</sup>

۶ - اشتباه در ماهیت قرارداد - مانند اینکه شخصی اتومبیل خود را به مبلغ معینی به دیگری صلح کند ولی طرف مقابل با تصور اینکه ایجاب او ناظر به فروش است، آن را به همان مبلغ می‌خرد و یا اینکه قصد شخص اجاره دادن ملک خود به دیگری باشد ولی اشتباهاً فروش آن را به دیگری ایجاب کند (عبدالفتاح حسینی مراغی، ۱۴۱۸هـ.ق، ص ۴۹).

طبق نظریه سنتی در حقوق فرانسه، اشتباه در ماهیت عقد از اشتباهات مانع قصد و توافق محسوب می‌شود (به نقل از: سنه‌وری، ۱۹۹۸، الوسیط، ج ۱، ص ۳۱۱).

۷ - اشتباه در خصوصیات عقد - مثل اینکه فروشنده منزل مسکونی خود را به دیگری بفروشد به این شرط که خریدار آن را به همسایه شمالی نفروشد ولی خریدار اشتباهاً خرید خانه مزبور را بدون شرط و بطور مطلق قصد نماید که در اینصورت عقد بیع نه به طور مشروط و نه به شکل مطلق منعقد نخواهد شد (شهیدی، ۱۳۷۱، ص ۱۶۸).

۱. این مصداق در فرضی است که ضابطه تشخیص مالیت موضوع معامله، نوعی باشد نه شخصی.



۸- اشتباه در وجود موضوع قرارداد - ممکن است طرفین قرارداد در هنگام انعقاد قرارداد در خصوص وجود موضوع قرارداد تصور نادرستی داشته باشند مثلاً به تصور وجود خانه ای در کنار دریا وارد معامله شوند در حالی که در هنگام معامله خانه مزبور وجود خارجی نداشته است. در حقوق ما این قسم اشتباه از مصادیق اشتباه در علت است ولی در حقوق انگلستان، اشتباه در وجود موضوع از جمله اشتباه اساسی و عمده در قرارداد بوده که در قلمرو دکترین اشتباه مورد بحث قرار می‌گیرد

(Treitel, 1999, P262-Cheshire, Fifoot & Furmston....., 1986, P220- Beatson, ..... 1998, P299).

۹- اشتباه در هویت موضوع قرارداد - گاهی ممکن است تصور نادرست طرفین راجع به هویت موضوع قرارداد، باشد و طرفین دو هویت و امر مستقل را مورد قصد قرار بدهند (نجفی خوانساری، بی تا، ج اول، ص ۱۱۴ - انصاری (۱۹۹۰)، ج ۷، ص ۱۲۹)، مانند اینکه شخصی فروش خانه خود واقع در خیابان ولیعصر را ایجاب می‌کند ولی مخاطب به تصور اینکه فروشنده قصد فروش خانه خود در منطقه شمیران را دارد، خرید خانه اخیر را قبول می‌نماید.

۱۰- اشتباه در خود موضوع معامله - اشتباه در خود موضوع معامله در ماده ۲۰۰ ق.م. موضوع حکم قرار گرفته است<sup>۱</sup> گاهی ممکن است اشتباه در خود موضوع معامله باشد. مانند اینکه طرفین به گمان اینکه گلدان مورد معامله عتیقه است آنرا به قیمت گزافی معامله می‌کنند ولی بعداً معلوم شود که تصور آنان نادرست بوده و گلدان ساخت دوره معاصر می‌باشد.

۱۱- اشتباه در مقدار مورد قرارداد - هر گاه موضوع معامله کمتر از آن مقداری درآید که در هنگام معامله مورد قصد بوده است، اشتباه در قرارداد موثر واقع می‌شود. معمولاً در معاملاتی که میزان ثمن بستگی به مقدار موضوع معامله دارد و بر اساس همان مقدار شخص حاضر به معامله شده و ثمن را پرداخت می‌نماید، در این حالت، وصف مقدار، وصف مهم و ذاتی است و اشتباه در آن موجب بطلان معامله می‌شود. قانون‌گذار نیز در ماده ۳۸۴ ق.م. همین نظر را پذیرفته و مقرر کرده است که اگر مورد معامله کسری داشته باشد، عقد نسبت به مقدار کسری باطل می‌باشد.<sup>۲</sup>

۱۲- اشتباه در ارزش مورد قرارداد - یک حالت از اشتباه در ارزش موضوع قرارداد این است که قیمت مورد قصد طرفین با هم مطابق نباشد به این نحو که خریدار مبیع را به قیمتی قبول کند که مورد قصد فروشنده یا موجب نیست، برای مثال شخصی اتومبیل معینی را به

۱. ماده ۲۰۰ ق.م. مقرر می‌دارد: (اشتباه وقتی موجب عدم نفوذ معامله است که مربوط به خود موضوع معامله باشد). برای

ملاحظه نظرات مختلف درخصوص مفهوم خود موضوع معامله ضمانت اجرای آن رجوع شود به: صفایی، ۱۳۷۵، ص ۳۰۵.

۲. ماده ۳۸۴ ق.م. بیان می‌دارد: (هرگاه درحال معامله مبیع از حیث مقدار معین بوده و در وقت تسلیم کمتر از آن مقدار درآید مشتری حق دارد که بیع را فسخ کند .....). روشن است که عقد بیع نسبت به مقدار موجود صحیح می‌باشد ولی خریدار می‌تواند با استفاده از اختیار تبعض صفقه آن را فسخ نماید.

قیمت یکصد میلیون ریال می‌خرد در حالی که ایجاب فروشنده یکصد و بیست میلیون ریال می‌باشد. در این حالت معامله باطل است زیرا در این وضعیت، اشتباه عدم تطابق ایجاب و قبول را موجب می‌شود (انصاری، ۱۹۹۰، ج ۷، ص ۱۲۹).

حالت دیگر از اشتباه در ارزش مورد قرارداد نیز امکان دارد به این نحو که قیمت مورد قصد طرفین با قیمت بازار متفاوت باشد. در این وضعیت طرفین قرارداد یا یکی از آنها قیمت مورد توافق را به اشتباه قیمت بازار می‌پندارد و وارد معامله می‌شود. قانون‌گذار برای حفظ ثبات معاملات ضمانت اجرای چنین اشتباهی را خیار فسخ برای زیان‌دیده (مغبون) پیش بینی کرده است البته بعضی از نویسندگان برخلاف ماده ۴۱۶ ق.م.معتقدند که می‌توان ارزش مورد معامله را وصف اساسی موضوع محسوب کرد و از مصادیق ماده ۲۰۰ ق.م. تلقی کرد که این نظر به جهت وجود نص قانونی قابلیت متابعت ندارد (امیری قائم مقامی، ۱۳۷۸، ص ۳۱۳)

۱۳- اشتباه در ضمیمه عوضین قرارداد- اشتباه در قرارداد ممکن است راجع به ضمانت یا توابع مورد معامله باشد مثل اینکه در بیع خانه فروشنده به تصور اینکه مجری و ممر جزء مبیع نیست، معامله شود و خریدار به تصور اینکه ممر و مجری از توابع خانه است، آن را بخرد و یا شخصی اتومبیلی را می‌خرد با این تصور که جک و چرخ یدک نیز به همراه اتومبیل تحویل داده می‌شود ولی فروشنده به تصور اینکه چرخ یدک و جک را نگه می‌دارد و در اتومبیل دیگر خود مورد استفاده قرار می‌دهد، اتومبیل را می‌فروشد.

۱۴- اشتباه در سلامت مورد قرارداد - گاهی شخص با این تصور که کالایی را که می‌خرد از سلامت وصحت برخوردار است، وارد معامله می‌شود و حتی ممکن است فروشنده نیز با همین تصور آن را به فروشد ولی بعدا معلوم می‌شود که کالای مورد معامله دارای عیب مخفی بوده و طرفین متوجه عیب مزبور نشده‌اند. قانون مدنی به پیروی از نظر مشهور فقهای امامیه، اشتباه در سلامت کالا را موجب خیار فسخ دانسته است (م ۴۲۲ ق.م).

۱۵- اشتباه در طلق بودن مورد قرارداد<sup>۱</sup> منظور از اشتباه در طلق بودن مورد قرارداد این است که یک طرف یا طرفین معامله در عدم تعلق حق دیگران در موضوع معامله دچار اشتباه شوند، مثلاً خریدار با این تصور که ساختمان مورد معامله آزاد از قید رهن بوده و بانک یا شخصی دیگر در آن حقی ندارد به خرید آن مبادرت نماید، در حالی که واقعیت غیر از این بوده و ساختمان در رهن بانک بوده است یا اینکه شخصی به تصور اتمام مدت اجاره ملک اش آن را می‌فروشد و خریدار نیز بر همان تصور آن را می‌خرد ولی بعدا معلوم می‌شود که

۱. چون شرط لازم برای فروش کالا ذیحق نبودن دیگران در کالای مورد معامله می‌باشد لذا علمای ما از این عنوان یعنی عدم تعلق حق دیگران، طلق بودن را انتزاع کرده‌اند (شیخ انصاری، ۱۹۹۰، ج ۱، ص ۸۸).

هنوز دو سال از مدت اجاره ملک مزبور باقی است و ملک بدون منافع دو ساله به خریدار منتقل شده است و مانند آنها.

۱۶- اشتباه در هویت جسمی طرف معامله - گاهی اشتباه در قرارداد ممکن است به اشتباه در هویت جسمی برگردد و در یک قرارداد شخص دیگری به جای شخص مورد نظر و مخاطب واقعی معامله، طرف معامله قرار بگیرد مثلاً پیشنهاد طراحی ساختمانی به ارشیتکت معروفی داده می‌شود و نامه ایجاب را شخص دیگری که با معمار مورد قصد شباهت در اسم دارد، می‌گیرد و پیشنهاد را قبول می‌کند (صفایی، ۱۳۸۲، ص ۹۵-۹۶ - کاتوزیان، ۱۳۶۴، ص ۴۶۷).

۱۷- اشتباه در هویت مدنی شخص - ممکن است اشتباه در وضعیت مدنی یعنی احوال شخصی طرف قرارداد رخ بدهد، برای مثال شخص با جعل شناسنامه و کسب نام شخص مشهور به خواستگاری زنی رفته و وی به گمان آن که با همان فرد مشهور ازدواج می‌کند، به ازدواج با او رضایت می‌دهد. اشتباه در هویت مدنی، چنانچه علت عمده عقد باشد مشمول ماده ۲۰۱ ق.م. بوده و موجب بطلان عقد می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۶۴، ص ۴۶۱). البته پذیرفتن این نظر در مورد عقد ازدواج مشکل است، زیرا وقتی دو نفر همدیگر را می‌بینند و به هم علاقه‌مند می‌شوند مسائل دیگر مانند سن و موقعیت خانوادگی به عنوان امور تبعی باقی می‌مانند و اشتباه در آنها نباید به ازدواج خدشه وارد نماید.

آراء صادره از محاکم انگلیس نشان می‌دهد که در حقوق این کشور نیز اشتباه در هویت مدنی مانع انعقاد عقد می‌شود، البته باید مدعی اشتباه ثابت نماید که هویت طرف دیگر برای او اهمیت قاطع داشته است. (Cheshire, Fifoot and Treitel, 1999, P277 - 239-240 و Furmstun, 1986).

۱۸- اشتباه در وصف اساسی - گاهی اشتباه در وصف شخص طرف معامله رخ می‌دهد مثل اینکه شخصی بدین گمان که با دکتر جراح روبروست، درخصوص عمل جراحی یکی از فرزندان خود با او قرارداد می‌بندد و پس از آن معلوم می‌شود که وی پزشک عمومی است. اشتباه در وصف اساسی یا وصفی که علت عمده عقد و باعث تراضی می‌شود، در حکم اشتباه در شخص طرف معامله و مشمول ماده ۲۰۱ ق.م. است.

باید اضافه کرد که نظر غالب در فقه امامیه (محقق سبزواری، بی‌تا، ص ۱۶۹) این است که اشتباه در اوصاف موجب بطلان عقد نکاح نمی‌شود و نظریه اشتباه درخصوص عقد نکاح به صورت مضیق تفسیر می‌شود. اشتباه در وصف زوجین چه به عنوان قید و چه به عنوان شرط هر اندازه مهم و اساسی هم باشد موجب فسخ می‌باشد.

قانون مدنی نیز در مورد عقد ازدواج نظریه اشتباه را به صورت محدود پذیرفته است و علت اتخاذ چنین راه حلی در فقه و قانون مدنی اهمیت اجتماعی ازدواج است (۱۱۲۸ ق.م).

۱۹- اشتباه در سمت شخص - اشتباه در سمت شخص حالت های مختلف می تواند داشته باشد از جمله اینکه کسی به تصور اینکه شخص مذاکره کننده وکیل دیگری است با او وارد معامله می شود ولی شخص رو در رو و مذاکره کننده قصد معامله برای خود دارد. در این مورد اشتباه مزبور در قرارداد موثر می باشد زیرا قصد او به شخص دیگری که شخصیت او علت اصلی عقد بوده، تعلق گرفته است نه شخص رو در رو.

در حقوق انگلستان، حقوقدانان اشتباه در سمت را نوعی اشتباه در هویت تلقی می کنند و معتقدند که سمت از جمله امور و اوصافی است که شخص با آن مشخص می شود و اشتباه در آن موجب اشتباه در هویت است. (Treitel, 1999, P218)

۲۰- اشتباه در مالکیت شخص - گاهی اشتباه در مالکیت مورد قرارداد، قرارداد را تحت تاثیر قرار می دهد، مانند اینکه شخصی به تصور اینکه مالک مالی است فروش آن را به دیگری ایجاب می کند و مخاطب نیز با همین تصور آن را قبول می کند ولی بعداً معلوم می شود که خریدار از قبل مالک آن بوده است و یا اینکه شخص به تصور اینکه مال دیگری را مورد معامله قرار می دهد، به معامله تن می دهد ولی بعداً معلوم می شود که فروشنده خود مالک آن بوده است. در حقوق انگلیس نیز اشتباه در مالکیت به عنوان اشتباه موثر در قرارداد قلمداد شده است. (Davies, 1986, P153 - Beatson, 1998, P301-302)

اکنون باید به سوال اساسی مطروحه پرداخت که آیا همه این مصادیق و مصادیق احتمالی دیگر در حوزه نظریه اشتباه در قرارداد قرار می گیرند؟ قانون گذار برحسب درجه اهمیت موضوع مشتبه در ایجاد و دوام قرارداد ضمانت اجرای خاص برای آن در نظر گرفته است، مثلاً اشتباه در قابلیت معامله موضوع از نظر قانون، اشتباه در مالیت موضوع تعهد، اشتباه در امکان اجرای قرارداد (مقدور التسليم بودن) و اشتباه در خود موضوع معامله را موجب بطلان قرارداد می داند (مواد ۳۴۸ و ۲۰۰ ق.م) و یا اشتباه در مالکیت را موجب عدم نفوذ قرارداد (ماده ۲۵۵ ق.م) و اشتباه در سلامت کالا و نیز ارزش موضوع معامله را موجب خیار فسخ می داند (مواد ۴۱۶ و ۴۲۲ ق.م). ولی آیا همه این موارد و موارد مشابه دیگر با نظریه اشتباه در قرارداد قابل تحلیل است و در قلمرو بحث اشتباه در قرارداد قرار می گیرد؟

باید گفت، اشتباه در هر امری از امور قرارداد، هر چند که آن یک امر اساسی و موثر در انعقاد قرارداد باشد، در قلمرو نظریه اشتباه قرار نمی گیرد و صرفاً اشتباه در اموری مشمول نظریه اشتباه می شود که اراده شخص در آن امور، یعنی در دخالت یا عدم دخالت آن امور در انعقاد قرارداد و یا دوام و یا اجرای قرارداد موثر باشد زیرا به جهت تاثیر اشتباه در اراده (قصد) است که اشتباه قرارداد را متاثر می سازد. بر فرض اگر در رکن و یا جزئی از اجزاء و ارکان قرارداد، اراده متعاقدين موثر نباشد و به حکم امری قانون دخالت آن جزء در انعقاد قرارداد

ضروری باشد و چه طرفین درخصوص آن رکن و یا جزء اشتباه بکنند یا نکنند، در صورت فقدان آن رکن قرارداد باطل می‌شود دیگر استناد به اشتباه برای باطل دانستن قرارداد بی مفهوم است مثلاً اشتباه در نوع عقد در قلمرو نظریه اشتباه قرار می‌گیرد، به دلیل این که اراده طرفین قرارداد در آن موثر است و آنان می‌توانند با اراده خود آن را تغییر دهند مانند این که به جای بیع، عقد هبه را قصد نمایند.<sup>۱</sup>

اما آیا اشتباه در مقذور التسلیم بودن مورد معامله و قابلیت معامله موضوع از نظر قانون و مالیت مورد تعهد و امثال آن، به جهت اشتباه در قرارداد موجب بطلان قرارداد می‌شود یا این که قرارداد به حکم قانون باطل می‌شود؟ روشن است که در این موارد بطلان قرارداد به جهت اشتباه در قرارداد نیست زیرا اراده طرفین در آن شروط تأثیری در قرارداد ندارد و چنانچه طرفین حتی درخصوص آن شرایط اشتباه نکنند و با اعتقاد و علم به غیرمقدور بودن تسلیم کالا و یا عدم قابلیت معامله از نظر قانون و یا عدم مالیت موضوع معامله به معامله تن بدهند، قرارداد باطل خواهد بود.

برخی از حقوقدانان کشورمان (صفایی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۸۸ - امامی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۱۹۸ - عدل، ۱۳۴۲، ص ۱۲۰ - عبده بروجردی، ۱۳۸۰، ص ۱۰۲) همانند حقوقدانان فرانسوی، اشتباه در علت را از موارد اشتباه در قرارداد دانسته و آن را به عنوان یکی از مصادیق اشتباه موثر در قرارداد مورد بحث قرار داده اند. ولی با تحلیلی که به عمل آمد، مشخص است که اشتباه در علت نمی‌تواند از مصادیق اشتباه در قرارداد محسوب شود زیرا اگر طرفین با اعتقاد و قصد این که مثلاً در عقد بیع، تملیک مبیع بدون علت باشد و مبیع به صورت مجانی فروخته شود و هیچ گونه اشتباهی در علت تملیک مبیع وجود نداشته باشد، باز عقد بیع به جهت حکم امری قانون باطل است (ماده ۳۶۱ ق.م).

به نظر می‌رسد مسئله اشتباه در آثار مقتضای ذات عقد نیز از دایره شمول نظریه اشتباه در قرارداد خارج می‌باشد، مثلاً هرگاه هر دو طرف قرارداد به تصور این که در نتیجه عقد بیع یک طرف معامله برای یکسال مالک منافع خواهد بود، وارد معامله شوند معامله باطل است ولی نه به جهت شمول نظریه اشتباه نسبت به آن، بلکه به جهت عدم تطابق توأقی آنان با شرع و قانون. چون قانون گذار عقد بیع را سببی برای تملیک عین در نظر گرفته است و نه منفعت (ماده ۳۳۸ ق.م). حتی اگر آنان بیعی را انجام بدهند و با آگاهی از این که از بیع مالکیت عین

۱. لازم به توضیح است که همه اشتباهات مشمول نظریه اشتباه، تأثیر یکسان بر قرارداد ندارند و برحسب درجه اهمیت امر مشتبّه در قرارداد از نظر طرفین قرارداد، تأثیر متفاوت بر قرارداد می‌گذارند و قرارداد را باطل یا غیر نافذ و یا قابل فسخ می‌کنند که بحث آن از موضوع این مقاله خارج می‌باشد.

حاصل می‌شود، بخواهند صرفاً از آن مالکیت منافع حاصل گردد، بیع باطل خواهد بود و اراده طرفین در اثر مورد نظر قانون گذار موثر نخواهد بود.

بنابراین باید گفت، اشتباه در قرارداد شامل اموری از قرارداد است که اراده متعاقدین در آن امور موثر و دخیل می‌باشد و اشتباهاتی مانند اشتباه در علت قرارداد، اشتباه در امکان اجرای قرارداد، اشتباه در قابلیت معامله موضوع از نظر قانون، اشتباه در مالیت مورد تعهد، اشتباه در آثار مقتضای ذات قرارداد، اشتباه در مشروعیت جهت، اشتباه در وجود موضوع قرارداد از قلمرو نظریه اشتباه در قرارداد خارج می‌باشند.

### نتیجه

از مطالب پیش گفته دو نتیجه مهم به دست می‌آید که قابل توجه است:

- ۱- اراده که در درون انسان پس از طی مراحل تصور، تدبیر، تصدیق، اشتیاق و طلب (قصد) تکون می‌یابد ممکن است که هر مرحله از این مراحل با دخالت اشتباه انجام شود و این توهم پیش آید که دخالت اشتباه در هر یک از مراحل تکون اراده موجب معیوب شدن اراده گردیده و قرارداد را متأثر می‌سازد که با بررسی معلوم شد که اشتباه وقتی در قرارداد مؤثر واقع می‌شود که اشتباه مربوط به مرحله رضا و قصد باشد و اشتباه در مراحل دیگر اراده در قرارداد تأثیری نمی‌گذارد مگر اینکه اشتباه در آن مراحل به اشتباه در رضا و قصد منتهی شود.
- ۲- اشتباه در هر امری از امور قرارداد هر چند که آن امر برای انعقاد و اعتبار قرارداد اساسی و مهم باشد، موجب معیوب شدن اراده نشده و قرارداد را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد و صرفاً اشتباه در امری از امور قرارداد موجب معیوب شدن اراده می‌شود که آن امر در قلمرو حرکت قصد قرار می‌گیرد و اراده شخص نیز در تغییر و یا دخالت یا عدم دخالت آن امور در قرارداد مؤثر باشد. مثلاً اشتباه در علت تعهد قرارداد را به جهت معیوب شدن اراده باطل نمی‌کند بلکه بطلان قرارداد به جهت حکم امری قانون می‌باشد زیرا اراده طرفین قرارداد تأثیری در علت تعهد قرارداد ندارد.

### منابع و مأخذ

#### الف- فارسی

۱. امامی، سیدحسین (۱۳۶۴) حقوق مدنی، ۶ مجلد، ج اول، تهران، انتشارات بهنشر، ج ۴ و ۱.
۲. امیری قائم مقامی، عبدالمجید (۱۳۷۸) حقوق تعهدات، ۲ مجلد، ج اول، تهران، نشر میزان، ج ۲.
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۳۹)، تأثیر اراده در حقوق مدنی، تهران.
۴. صفایی، سیدحسین (۱۳۸۲)، دوره مقدماتی حقوق مدنی - قواعد عمومی قراردادها، ج اول، تهران، نشر میزان.
۵. صفایی، سیدحسین (۱۳۷۵)، مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، ج اول، تهران، نشر میزان.

۶. شهیدی، مهدی (۱۳۷۱)، تشکیل قراردادها و تعهدات، ج اول، تهران، نشرحقوقدان.
۷. عبده بروجردی، محمد (۱۳۸۰)، حقوق مدنی، مصحح محمدرضا بندرچی، ج اول، قزوین، نشر طه.
۸. عدل، مصطفی (۱۳۴۲)، حقوق مدنی، ج هفتم، انتشارات امیرکبیر.
۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۴)، قواعد عمومی قراردادها، ۵ مجلد، ج اول، تهران، انتشارات بهنشر، ج ۱.

### ب- عربی

۱. انصاری، شیخ مرتضی (۱۹۹۰) کتاب المکاسب، با تعلیق سیدمحمد کلانتر، ۱۵ مجلد، ج اول، بیروت- لبنان، مؤسسه النور للمطبوعات، ج ۱ و ۷.
۲. حسینی مراغی، میرفتح (۱۴۱۸هـ.ق)، العناوین، ۲ مجلد ج اول، مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۲.
۳. خوارزمی، محمد (۷۷۰هـ.ق)، مفاتیح العلوم، (بی.جا)، مولی.
۴. سنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۹۹۸)، مصادر الحق فی الفقه الاسلامی، ج دوم جدید، بیروت - لبنان، منشورات الحلبي الحقوقیه.
۵. سنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۹۹۸)، الوسيط فی شرح القانون المدنی الجدید، ۱۳ مجلد، بیروت - لبنان، منشورات الحلبي الحقوقیه، ج ۱.
۶. فرج الصده عبدالمنعم (۱۹۷۳)، نظریه العقد فی القوانين البلاد العربیه، بیروت، دارالنهضة العربیه للطباعه و النشر.
۷. محقق سبزواری (بی.تا)، کفایه الاحکام، چاپ سنگی، (بی.جا)، مرکز نشر اصفهانی.

### ج- خارجی

- 1- Beatson. J. ac. (1998), **Anson's Law of Contract**, 27th. Ed, Oxford University Press.
- 2- Cheshire and Fifoot (1986), **The Law of Contract**, by M. P. Furmstun, London, Batter Worth.
- 3- Davies. F. R, **Contract** (1986), 5th. Ed, London, Sweet & Maxweel.
- 4- Treitel, G. H (1999), **Law of Contract**, 10th. Ed, London Sweet & Maxweel.